

تحلیل سیاست‌گذاری نظام سنجش و پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی ایران

جعفر فتحی

دانشجوی دکتری برنامه ریزی توسعه آموزش عالی دانشگاه مازندران

چکیده

آموزش عالی با پیشینه ای به قدمت بیش از هشت سده به عنوان نهادی کلیدی، مورد توجه خاص ملت ها و دولتها است. دستیابی به فناوری های جدید و دانش پیشرفته که میتواند نقش مؤثری در تحقق و شتاب حرکت اجتماعی و اقتصادی ملل ایفا کند، صرفاً با تقویت آموزش عالی و برنامه ریزی ارتقای کمی و کیفی آن میسر است از آن جا که دانایی، نیروی محرکه رشد و ایجاد ثروت در دنیای امروز است و بیش از عوامل سنتی، نظیر کار و سرمایه، در توسعه ملی نقش دارد در ایران گزینش دانشجو و نحوه انتخاب دانشجویانی که بتوانند در آینده چرخ های عظیم پیشرفت و ترقی جامعه را بگردانند، مسأله حائز اهمیتی است نظام پذیرش دانشجو و یا به اصطلاح کنکور در جامعه ما به یک پدیده اجنماعی تبدیل شده که برنظام آموزش عمومی و متوسطه و همچنین شرایط روانی واقتصادی خانواده ها بشدت تاثیر گذاشته و به یک تهدید جدی برای نوآوری و خلاقیت و سلامت روانی نسل جوان تبدیل شده است. کنکور دانشگاهها بعنوان یک معضل و مشکل اساسی در نظام آموزش عالی کشور شناخته شده که اثرات آن به نظام آموزش عمومی نیز سرایت کرده است. هدف این پژوهش ارائه راهکاری برای جلوگیری از آسیب های جبران ناپذیری بر سرمایه های انسانی واقتصادی جامعه در مقوله شیوه های پذیرش دانشجویست و روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و به مرور بعضی مطالعات نظری ومیدانی ومجموعه مقالات وهمایش ها و مصاحبه های مرتبط با نظام پذیرش دانشجو و کنکور پرداخته وبرای حل مشکلات نظام یاده شده و تجدید نظر در مورد شیوه های پذیرش دانشجو راهکارهایی را بعنوان یافته‌های پژوهش ارائه داده است.

واژه‌های کلیدی: کنکور، پذیرش دانشجو، آسیب ها، سیاست‌گذاری

مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی

دوره ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، صفحات ۱۶۴-۱۵۲